



• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:

علی متقیان

- تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵۰۳۳۸۸ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
- توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه های مشهوری
- سازمان آگهی های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲



«ایران» رادر صفحه های مجازی دنبال کنید



آزمیاد فقط با آب، نان و هوانیست
که زنده است...! این را دانستم و می دانم که
آدم به آدم است که زنده است.
آدم به عشق آدم زنده است.

کتیبر
معمود دولت آبادی



یادداشت

امید و انتظار برای اعتلای هنرهای تجسمی در کشور

مجموعه هنرهای همچون نقاشی، مجسمه سازی، عکاسی، گرافیک، طراحی، معماری، هنرهای دیجیتال، هنرهای مفهومی و چیدمان، ارتباطات بصری و غیره را که از طریق حس بینایی قابل درک هستند، هنرهای تجسمی می نامیم. هنرهای تجسمی ایران نیز جامعه بزرگی از هنرمندان را در بر می گیرد که بررسی وضعیت آن، موضوعی گسترده و پیچیده و نیازمند تحلیل عمیق از جنبه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و هنری است. این روزها مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در انتظار مدیرکل است. با توجه به شرایط هنرمندان فعال و مشکلات موجود در این حوزه، انتظار می رود فردی که مسئولیت این مرکز را پذیرا می شود، نگاهی جامع و کامل به مسائل زیرساختی و روز هنرمندان داشته باشد.

مهمترین مشکل این قشر از جامعه، مسائل اقتصادی چون کمبود حمایت های مالی، نبود بازار فروش مناسب و توسعه یافته و نوسانات اقتصادی است. مشکلات زیرساختی همچون کمبود گالری و فضای نمایش آثار، معضل حمل و نقل آثار هنری، نبود حمایت قانونی (ماددی و معنوی) از حقوق هنرمندان، کمبود آگاهی عمومی، نگرش سنتی به هنر، نبود اتحادیه قوی هنرمندان و غیره از جمله دیگر مواردی است که بیشتر هنرمندان با آن سر و کار دارند.

همچنین تحریم های اقتصادی بر واردات مواد اولیه و تجهیزات هنری، برگزاری نمایشگاه های بین المللی و فروش آثار هنری در خارج از کشور تأثیر گذاشته است.

دولت و به طور خاص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان نهاد متولی فرهنگ و هنر در ایران، نقش بسیار مهمی در شکل دهی و هدایت هنرهای تجسمی ایفا می کند که این نقش می تواند در ابعاد مختلفی مثل برگزاری جشنواره ها و نمایشگاه ها، اعطای جوایز و بورسیه ها، تخصیص بودجه به نهادهای فرهنگی، ایجاد زیرساخت ها، تعیین سیاست های فرهنگی، صدور راحت تر مجوزها برای برپایی رویدادهای هنری، حمایت از هنرمندان، برگزاری کارگاه ها و دوره های آموزشی به روز و معرفی هنرمندان به جامعه جهانی برای ارتقای جایگاه هنر ایران باشد.

یکی از بزرگترین چالش ها و انتقادها به وزارتخانه، تخصیص بودجه به حوزه هنرهای تجسمی کمتر از نیاز واقعی هنرمندان است. ارتقای سطح بیمه هنرمندان و پوشش های اجتماعی مناسب از دیگر خواسته های هنرمندان است. همچنین برخی معتقدند که دولت بیشتر به هنرهای سنتی توجه دارد و از هنرهای تجسمی معاصر حمایت کافی نمی کند.

همچنین مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران با توجه به نقش محوری خود در حمایت و توسعه این هنر در کشور، با چالش های متعددی مواجه است. این چالش ها از عوامل مختلفی مانند محدودیت های بودجه ای، تغییر سیاست های فرهنگی، تحولات اجتماعی و حتی بحران های اقتصادی تأثیری پذیرند. از مهم ترین چالش های این مرکز نیز محدودیت های بودجه ای نسبت به نیاز واقعی است. نبود یک تعریف جامع و روشن و انعطاف پذیر از هنرهای تجسمی به دلیل تنوع بسیار زیاد شاخه های هنری آن، منجر به ابهام در حوزه فعالیت مرکز و اولویت بندی های آن می شود، البته در جامعه جهانی نیز تعریف واحدی از هنرهای تجسمی وجود ندارد و بنا به هر دوره و نیاز زمانه یک جمع بندی کلی از این تعریف می شود، به خصوص که در دنیای معاصر، هنرهای تجسمی بینارشته ای هم شده است. اما مرکز هنرهای تجسمی می تواند برای رفع این چالش ها با بخش خصوصی در مورد حمایت از هنرمندان و ایجاد فرصت های سرمایه گذاری در این حوزه همکاری داشته باشد و از هنرمندان جوان با ایجاد فرصت نمایش و فروش آثار، حمایت کند. همچنین از طریق رسانه ها و آموزش و پرورش و تشکل ها به ترویج فرهنگ هنرهای تجسمی در کشور اقدام کند. هنرهای تجسمی در کشور است. بنابراین فردی که برای این سمت انتخاب می شود باید دانش گسترده در زمینه های مختلف هنرهای تجسمی از جمله تاریخ هنر، نظریه های هنری، سبک های مختلف هنری و همچنین آشنایی با هنرمندان و جریان های هنری داخلی و بین المللی و نیز دیدگاه جامع و سیستمی نسبت به مسائل مختلف مرتبط با این حوزه داشته باشد.

نقل قول

سکوت رسانه و سینما در قبال غزه خیانت است

شرایط جاری در غزه دقیقاً مشابه وضعیت روز عاشورا و صحرای کربلاست و سکوت رسانه و سینما در قبال این مسأله نوعی خیانت است.

افراد همچون سید حسن نصرالله و یحیی سنوار قله های عظیم زندگی بشری هستند و باید به آنها افتخار کرد و طریقه زندگی شان را برای نسل های آینده به تصویر کشید، اما متأسفانه هنرمندان سینمای ایران مورد حمایت قرار نمی گیرند. من مدت ها در کشور عراق مشغول تحقیق و پژوهش بودم و فیلمنامه ای تحت عنوان «به کودکان شلیک نکنید» نوشتم و حاج قاسم نیز آن را مطالعه کرد و در نامه ای خواست از تولید آن حمایت شود، اما زمانی که برای ساخت آن به ارگان های مختلف مراجعه کردم، تنها با قول های شفاهی روبه رو شدم و همه چیز منوط به نظر شوراهای مختلف شد. متأسفانه افراد حاضر در چنین شوراهایی به دنبال این هستند تا فیلم های اینچنینی ساخته نشود و به نظر من عامل نفوذی در همین شوراهای قرار دارد.



گفت و گو صبا یا انسیه شاه حسینی، کارگردان

تجسس



سید فلاح فر

پژوهشگر هنر

باز هم «دلفک» همه معیارهای رایج در بازار و زیبایی شناسی و اقتصاد هنر را به مسخره گرفت. دلفک در روزهای اخیر توانست دوباره این پریش اساسی را به خاطر بیاورد که «هنر چیست؟» و «هنر معاصر» حائز چه مشخصه هایی است؟ همچنین قیمت آثار هنری را چگونه می توان محاسبه یا پیش بینی کرد؟

آیا این قیمت ها دوام خواهند داشت یا اعتباری موقت دارند؟ مکان و ارزش مالی می تواند به تنهایی باعث شایستگی اثر هنری بوده و یک موز معمولی را همچون اسلاف خود در تاریخ هنر جهان. تبدیل به اثری خاص کرده باشد؟ آیا ترکیب مؤثر رسانه و قدرت و ثروت، می تواند منتقد و مخاطب را خارج از آنچه هست، اقناع یا معروب کند؟ در هر حال این دلفک همان طور که باید، هیچ قطعیتی را نمایندگی نمی کند. از طرفی این سؤال پیش می آید که آیا

تلنگر به عادت ها و ارزش هایی که گاه به تابوهای فکری و نوار چسب روی دیوار خود را به هنرمند و اثر هنری باشد؟ آیا از بین بردن کلیشه های امنی که زاده یقین های خود ساخته و خود خواسته و گاهی متوهمانه مخاطب است، نمی تواند از رویکردهای هنر و ماهیت هنر باشد؟ آیا جذابیت، تفاوت و خرق عادت اثر هنری می تواند عامل انگیزش و تأمل در مخاطب یا توسعه جامعه مخاطب باشد؟ چه اشکالی دارد وقتی پول به معیار جهان امروز تبدیل شده، مخاطب هنر را هم با اعداد و ارقام مالی شگفت انگیز جذب کنند، بسنجند یا

وادر با تفکر و پریش های مکرر نمایند؟ مگر نه اینکه تفکر، فرارغ از نتیجه آن، از کمبودهای بشری نقطه ضعف عصر شتاب زندگی امروزی است؟ تولید تردید تا چه اندازه تعلق به ذات و کیفیت اثر هنری و هنر معاصر دارد؟ آیا دلفک، اثری مضحک می تواند باشد یا رخدادی در آثار است؟ آیا این اثر و پرورمنش خرید و فروش آن، جامعه را متوجه وضعیت زیستی و هنری امروز خود کرده است؟

ماجراجویی که این روزها مورد توجه جوامع هنری و حتی مردم عادی و تحلیلگران اجتماعی... قرار گرفته، از این قرار است که یک اثر هنری که چیزی جز یک موز چسب خورده به روی دیوار نیست، روز چهارشنبه ۲۰ نوامبر (۳۰ آبان) در حراج ساتینز نیویورک. ظرف مدت فقط هفت دقیقه. با قیمت ۶ میلیون و ۲۰۰ هزار دلار به فروش رفت. این اثر «هنری. مفهومی» با عنوان «کمدین» اثر مائوریتزیو کاتلان (Maurizio Cattelan)، هنرمند ایتالیایی برای نخستین بار در نمایشگاه «آرت بازل» میامی در سال ۲۰۱۹ معرفی و به قیمت ۱.۵ میلیون دلار فروخته شد و چنان جمعیت زیادی را جذب کرد که برای حفظ ایمنی عمومی و حفاظت از سایر آثار به نمایش درآمد، مجبور شدند آن را بردارند. این موز توسط خریداران حاضر در سالن، تلفتی و آنلاین به مزایده گذاشته و نام جاستین سان. فعال چینی حوزه رزم از زهای دیجیتال به عنوان خریدار این اثر هنری مدرن اعلام شد. خانه حراج، موز را از غرفه یک میوه فروشی خارج از دفتر مرکزی خود در خیابان یورک، جایی که حراج چهارشنبه برگزار شد، تهیه کرده است. حسب قرارداد حراج گذار، جایگزین کردن موز پس از فاسد شدن آن برعهده خریدار خواهد بود.

خریدار گفته قصد دارم این موز را بخورم. دیوید گالپرین، رئیس ساتینز در نیویورک در مورد این



آنچه که هنگام

خرید کمدین

صاحب

می شوید، خود

موز نیست

بلکه «گواهی

اصالت» است

که به صاحب

آن اجازه و

اختیار می دهد

تا آن موز و نوار

چسب را روی

دیوار خود به

عنوان یک اثر

هنری اصلی

از موریتسیو

کاتلان بازتولید

کند. بنا به

نظری برخی

کارشناسان آثار

هنری، این اثر

هم خنده دار،

هم پوچ و هم

نمادی از افراط

در جریان هنر

معاصر و بازار

هنر است

امام علی (ع): کسی که بدون بصیرت عمل کند، مانند کسی است که به دنبال سراب بیابان راه پیماید. او هر چه تندتر رود، دورتر می افتد.



سخن روز

امالی مفید، ص ۴۲، ج ۱۱

نگاره

ای دریغ از نام بنیامین بر توای نوزادکش
ای وصله ناجور فرزندان اسرائیل

افشین علا



فضای مجازی

تئاتر: بهانه آزادی ۲ زندانی

مراسم آزادسازی دو زندانی جرایم مالی با حضور لیلیا اوتادی در فضای مجازی مورد توجه کاربران فضای مجازی قرار گرفت. در این مراسم که با حضور لیلیا اوتادی، سفیر آزادی زندانیان برگزار شد با پرداخت بدهی، دو زندانی جرایم مالی ساکن استان خراسان جنوبی آزاد شدند. این زندانی ها با عواید مالی نمایش «حرمان» به نویسندگی افسانه بخشی فرد و کارگردانی سیدمحمدصادق سیادت توانستند به آغوش گرم خانواده برگردند. گروه نمایش «حرمان» تأکید کرد: براساس وعده داده شده سومین زندانی نیز در هفته جاری که هفته پایانی نمایش است، به لطف و همراهی مخاطبین آزاد خواهد شد. لیلیا اوتادی درباره این اتفاق گفته خوشحالم از اینکه در فضای تئاتر با وجود تمام مشکلات اقتصادی و ناخوش احوالی ها این اتفاق زیبا توسط این گروه جوان رقم خورد. دو عزیز از استان خراسان جنوبی با همکاری ویژه دادگستری خوشبختانه آزاد شدند و به آغوش زندگی بازگشتند.

دلیل علاقه علیرضا خمسه به باسترکیتون

صحبتهای علیرضا خمسه در برنامه هفت درباره اینکه دو بازیگر بزرگ سینمای کمدی صامت چارلی چاپلین با باسترکیتون کدام را بزرگتر می دانید مورد توجه کاربران فضای مجازی قرار گرفته و پربازدید شده است.

خمسه گفته، من باسترکیتون را دوست دارم چون با تعریف ما از کمدی به پانتومیم نزدیک تر است. علت اینکه بازیگران پانتومیم صورتک های سفید یا رنگی به صورت می زدند، این بود که بازیگر حق ندارد از چهره برای بیان مقصود، احساس و عاطفه استفاده کند. بازیگر در وهله اول باید از زبان بدن استفاده کند. خب چارلی چاپلین نابغه بزرگی است، اما همزمان از صورت و بدنش استفاده می کرد در حالی که تعریف کلاسیک می گوید شما باید از صورتتان به عنوان چهره ای که رویش ماسک پوشیده استفاده کنید. برای من باستر کیتون بزرگتر است.

گلایه بیابانکی به انتساب های ادبی اشتباه

سعید بیابانکی، شاعر و طنزپرداز در استوری خود درباره بی دقتی های فراوان صورت گرفته در فضای مجازی گلایه کرده و دادش از انتساب برخی اشعار به شعری ادبیات کهن و حتی شعر امروز درآمده است؛ او با اشاره به یکی از مضامین اخیر چنین اشتباهاتی نوشته است: «شعر ریغلطی، سال هاست به اسم زنده یاد قیصر امین پور در فضای مجازی و حقیقی می چرخد و حتی از برنامه های صداوسیما نیز سردار آورده است. (گاهی گمان نمی کنی ولی خوب می شود) گاهی نمی شود که نمی شود که نمی شود! مضحک تر از آن کسی است که منتسب به ادبیات است و این شعر را در کتابش با نام قیصر امین پور آورده است! به ایشان توضیح داده شد که این شعر غلط و غلطوب برای قیصر نیست! به نظراتان واکنش او چه بود؟ حذف شعر از چاپ دوم؟ خیر! باز این شعر مضحک را در کتاب داشته. در عوض یک پاورقی زد که (نقل به مضمون): بعضی ها گفته اند این شعر برای قیصر نیست! اشتباه می کنند؛ من خودم آن را با صدای قیصر امین پور شنیده ام! چهل مرکب چندان وحشتناک نیست؛ مگر زمانی که با بلاغت پرورده آمیخته شود! وقتی شعر جعلی به کتاب های درسی نیز راه پیدا می کند، تکلیف فضای مجازی چیست؟ بیابانکی در ادامه صفحه چند شاعر دیگر در تشریح بیشترین قبیل اتفاقات را تک کرده است.

عزم سیدآبادی برای انجام کارهای عقب مانده

علی اصغر سیدآبادی، نویسنده کودک و مروج کتابخوانی تازه ترین پست خود در شبکه های اجتماعی را به تجربه برپایی یک کارگاه آموزشی در شیراز اختصاص داده است؛ او نوشته: «در کارگاهی در شیراز، بین مربیان انون پرورش فکری کودکان و نوجوانان درباره رابطه پنج حس و ایران سخن می گفتیم؛ حرف به اینجا کشید که گاهی دلمان برای بسوی جایی یا کسی تنگ می شود. گفتن من همیشه پدر بزرگم را با بویی خاص به یاد می آورم. یکی از مربیان که اتفاقاً سن و سالی داشت پرید وسط حرفم و گفت: «با بوی جوراب آن مرحوم؟» من هم برای اینکه کم نیآورم گفتن آن مرحوم اصلاً جوراب به پا نمی کرد. حالا خودم را شبیه ترین آدم به آن مرحوم می دانم؛ همه اش دنبال حل و فصل خرده کاری های مردم از جمله آشپزی داوطلبانه در غزا و عروسی و کارهای دیگر بود و گندم های خودش روی زمین می ماند. البته نمی ماند، بالاخره پدرم و عموها و پسرعموهای عموها دست به دست هم می دادند و جمع و جور می کردند، اما نه من و برادرانم به تعداد آن مرحوم فرزند داریم و نه کاری از دستشان برمی آید. به اندازه چند ماه از کارهای خودم عقبم. از امروز تصمیم گرفته ام اولویت را بدهم به کارهای عقب مانده خودم، اگر روح نا آرام آن مرحوم و زن های بی قرارش که به کالبد من راه یافته، بگذرانند.»

عکس نوشت



جشن
«برگریزان هگمتانه»
با حضور پرشور
خانواده های
همدانی در
بوستان «مردم»
شهر همدان
برگزار شد.

مکی
ایمان حلی خواه
بهر